

متن پیاده سازی شده جلسه هجدهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 15 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الامام على بن موسى الرضا عليه السلام: تحف العقول ؛ النص ؛ ص 438

الإمامُ البدرُ المُنيرُ وَ السِّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ الطَّالِعُ وَ النَّجْمُ الهَادِي فِي غِيَابَاتِ الدُّجَى وَ الدَّلِيلُ عَلَى الهُدَى وَ المُنْجِي مِنَ الرَّدَى  
الإمامُ النَّارُ عَلَى اليَقَاعِ ...

در آستانه میلاد پر برکت حضرت رضا علیه السلام هستیم؛ روایت معروفی که ذکر شد مضمونش این است که حضرت و یژگی های امام علیه السلام و وظایف امامت را مطرح می کند؛ عبد العزیز ابن مسلم گوید وقتی آقا در مرو بودند روزی در جامع مرو بحث امامت شد و اختلاف سر گرفت و هرکسی چیزی گفت من محضر امام رضا علیه السلام آدمم آقا از من سوال کردند و من مطالب آنجا را مطرح کردم حضرت یک تبسمی کردند و سپس این حدیث طولانی را فرمودند.

برای اینکه این روایت معلوم بشود باید نگاه تاریخی به عصر حضرت داشته باشیم؛ می دانید که در دوران حضرت رضا علیه السلام تمدن اسلامی مستقر شده بود و این تمدن در مقابل تمدن ایران و چین و یونان و... بود؛ با این تفاوت که آن تمدن ها مربوط به منطقه و کشور خاص بود اما در تمدن اسلامی مذهب و دین ملاک بود.

نکته دوم: در دوران امام رضا علیه السلام بنی العباس ، به یک نوع حرکت فرهنگی رسیده بودند و لذا به جذب نخبه ها می پرداختند و بغداد در آن زمان ، مرکز جذب نخبه ها بود.

در حالات ابن بختیشون می گویند ایشان یک پزشک بود اما وقتی مرد 80 میلیون دینار طلا بر جای گذاشته بود و این به خاطر آن بود که در آن زمان به نخبه ها اهمیت فراوانی می دادند و لذا در این دوره کتاب های یونان ترجمه شد و...

نکته بعد: در آن زمان افراط و تفریط بسیار وجود داشت خوارج با انجام یک کبیره حکم به کفر گنهگار می کردند در مقابل جریان مرجئه کاملاً رها بود ؛ جریان صوفیه رواج پیدا کرده بود.

نکته بعد: جامعه هم در مقابل حرکات فرهنگی حساس است مثلاً در مساله خلق قرآن جامعه بسیار عکس العمل نشان داد برخی به زندان رفتند برخی شکنجه شدند.

در این فضا حضرت رضا علیه السلام این روایت را فرمود ؛ حضرت فرمود الامام البدر المنير یعنی کسی که جاهل است نمی تواند بدر منیر باشد حضرت ادامه می دهد که امام علیه السلام ستاره هادی است حتی نورش به ته چاه ظلمت ها هم می تابد امام راهنمای بر هدایت است امام نجات دهنده از سقوط است و...

مناظره یحیی بن اکثم را با حضرت جواد علیه السلام نگاه کنید حضرت یک کودک 7 ساله یا 9 ساله بود و یحیی قاضی القضاة بود اینها حاکی از این است که مناظرات در آن زمان رواج داشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که درصدد بیان کلمات مرحوم آخوند بودیم؛ رسیدم به ادله طرفداران حجیت خیر واحد و در مورد اجماع داشتیم بحث می کردیم.

اجماع سه رقم بیان شد

1: اجماع : اتفاق فقها

2: اجماع: سیره مسلمانان و متشرعه

3: اجماع: بنا عقلا

ایشان نسبت به دو قسم اول اشکال گرفت؛ وقتی مسلمانان سیره شان بر این است که بر خبر واحد عمل می کنند نمی شود گفت این سیره از روی متشرعه بودن است بلکه ممکن است از روی عقل خردمندان باشد؛ یا در بلاد کفر برخی از سیره ها از روی خرد و عقل است نه از روی کفر ( گرچه در نگاه افراد محکوم به کفر است )  
اما سیره عقلا بما هم عقلا : در این سیره علمای ما دو چیز را شرط می کنند  
1: سیره متصل به زمان معصوم باشد .

2: اتصال که محرز شد امضا هم شده باشد.

مرحوم آخوند سیره عقلا را می پذیرد و می فرماید این سیره وجود دارد و اتصالش هم محرز است و معصوم علیهم السلام هم هیچ ردعی ندارند.

تنها دلیلی که برای عدم حجیت خبر واحد می ماند : آیات و روایاتی است که از عمل به ظن نهی می کند.

مرحوم آخوند پاسخ می دهد: این ادله راجع به اصول عقاید است نه راجع به فروع احکام؛ اگر هم شک دارید به سراغ قرآن بروید و ببینید که مذمت این آیات برای بت پرستان است.

جواب دوم: فرض می کنیم خود آیات عام است و شامل عقاید و فروع شرعی می شود اما می دانیم که ما من عام الا و قد خص.... این آیات و روایات تخصیص خورده است به همین بنا عقلا که مورد تایید شارع است.

سوال: آیا این از عموماتی است که قابل تخصیص است یا نه؟ این سوال ما از مرحوم آخوند است؟ در این مورد فکر کنید؟  
جواب سوم مرحوم آخوند: شما می خواهید با این آیات ( ناهی ظن ) سیره را زمین بزنید اما آقای مستشکل سخن شما دور است.

بیان دور: ردع سیره توسط این آیات : متوقف بر این است که این آیات تخصیص نخورد و آیات هم زمانی تخصیص نمی خورد که سیره امضا نشود بلکه ردع شود. و لذا نتیجه می گیریم که ردع متوقف بر ردع است.

**و الحمد لله رب العالمین**